

۱- حشو قبیح :

گر خدمت تو نیامدم جرم بدوش عذرم رمد چشم و صداع سر بود
 در این شعر چشم و سر حشو قبیح است زیرا رمد مخصوص چشم و صداع
 اختصاص بر دارد (رمد ، رنج چشم و صداع ، درد سر است) و کسالت سایر اعضا
 را رمد با صداع نمیگویند پس در شعر بالا چشم بعد از رمد و سر بعد از صداع زائد و
 موجب قبح کلام شده است .

۲- حشو متوسط : با تو ای دلدار بزمم کلشن است .

در این مصراع ، ای دلدار حشو است و آوردن آن لزومی نداشته ولی مخالف ذوق
 هم نیست و باید دانست که حشو متوسط غالباً برای درست شدن وزن شعر در کلام
 استعمال میشود و بهترین نمونه حشو متوسط در این شعر رودکی است :
 تو رودکی را ای ماهر و ندیدستی در آن زمان که چو مرغ هزار دستان بود
 در این بیت ای ماهر و حشو متوسط و در عین حال مطبوع افتاده است .

۳- حشو ملیح - که گفتیم از محسنات کلام شمرده میشود در حقیقت بسیار
 پسندیده و باعث آرایش سخن میگردد ، مثلاً در این شعر :

دور از تو که از تو هیچکس دور مباد از راحت و عیش و فرهی دور شدم
 جمله ، که از تو هیچکس دور مباد ، حشو ملیح است و بسیار مطبوع و نیز در
 این بیت :

شکر فروش که عمرش دراز مباد چرا تفقدی نکند طوطی شکر خارا ؟
 جمله ، که عمرش دراز مباد ، حشو ملیح است و نهایت پسندیده و ایضاً در
 این قطعه :

ترا ای خواجه کز امساك بر خوان ز نعمتهای الوان هیچ اثر نیست
 چومه بر نطع کردون سفره ات را شب از بك کرده نان بیشتر نیست
 ولی هر کس شکست آن کرده نان اگر چه دانم این حد بشر نیست
 کند کر دعوی اعجاز شاید که این معجز کم از شق القمر نیست
 مصراع ، اگر چه دانم این حد بشر نیست ، حشو ملیح است و فوق العاده

نمکین

۱۳ - تجاهل العارف

معنی تجاهل العارف جهل بخود بستن است و مراد از این صنعت در علم بدیع اظهار نادانی کردن دانا است بقسمی که سخن را زینتی مخصوص حاصل شود و این صنعت در معانی مختلفه بکار میرود چنانکه گاهی بمعنی تعجب و زمانی بصورت سؤال و وقتی بقصد اثبات مطلب استعمال میشود. مثلاً در این شعر:

نوئی برابر من یا خیال در نظرم که مکن بطالع خود هرگز این گمان نبرم
(سعدی)

صنعت تجاهل العارف بمعنی تعجب استعمال شده است و در این شعر:
کلی یا سوسنی یا سرو یا ماهی نمیدانم از این آشفته بی دل چه میخواهی نمیدانم
صنعت تجاهل العارف بصورت سؤال بکار رفته است و در این جمله:
« من گویم قند شیرین است و تو کوئی تلخ است » نمیدانم کدام درست میگوئیم
صنعت تجاهل العارف بمنظور اثبات مطلب بیان شده یعنی همانطور که در شیرینی قند تردیدی نیست در ثابت بودن کفزار منهم جای تامل نیست. ابیات ذیل دارای صنعت تجاهل العارف است:

آفتابست آن بربرخ یا ملایک یا بشر قامت است آن یا قیامت یا الف یا بیشکر ؟
کلبن است آن یا تن نازک نهادش یا حریر آهن است آن یا دل نا مهربانش یا حجر ؟
باغ فردوس است کلبش بخوانم یا بهار چنان شیرین است خورشیدش بگویم یا قمر ؟

۱۴ - قلب مطلب

این صنعت عبارت از وارونه کردن کلمات عبارت بمنظور ایجاد مضمون جدید است بنحویکه مطبوع و دل پسند واقع شده و در شنونده یا مخاطب تاثیر بلیغ نموده و بر اهمیت مطلب بیفزاید.

مثال: دریای کوی تو سرما میتواند برید نتوان بریدن از سر کوی تو پای ما
بطوریکه ملاحظه می شود با وارونه کردن کلمات مصراع اول در مصراع دوم مضمون جدیدی بدست آمده که هم بر شیوایی کلام افزوده و هم اثر مخصوصی احراز کرده است.